



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر نوراله قیصری

استادان مشاور:

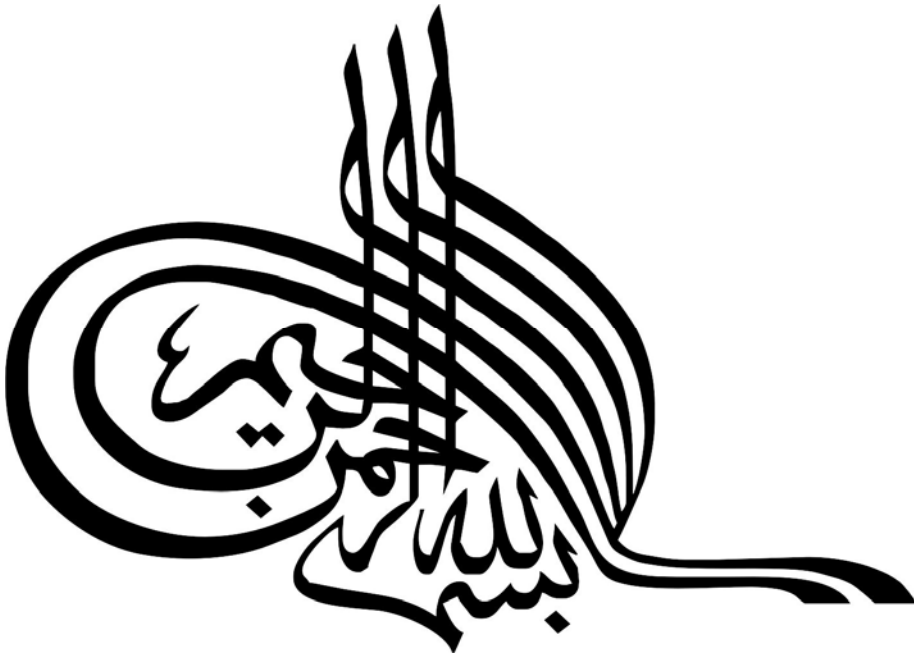
جناب آقای دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی

جناب آقای دکتر منصورانصاری

پژوهشگر

عبدالحسین ضمیری

تیرماه ۱۳۸۷



تشکر و قدردانی

پرورگار بزرگ که موهبت «اندیشیدن» و لذت «آموختن» را به بندگانش عطا فرمود و هم او که دستانم را توان، اندیشه‌ام را گشایش و دل را صبر و تحمل بخشید، تا کاری را که با نام و یاد او آغاز کرده بودم در سایه الطاف خداوندیش به پایان آورم شاکر و سپاسگزارم.

از اساتید بزرگوار آقایان دکتر نوراله قیصری، دکتر سیدعلیرضا بهشتی و دکتر منصور انصاری که در مراحل مختلف این رساله از راهنمایی، ارشاد، مشاوره و همفکری و نظریات ارزشمندشان بهره برده‌ام و همچنین دوستان ارجمندی که در تمامی مراحل اعم از گردآوری داده‌ها، تدوین و واژه‌نگاری به من یاری رساندند بی‌شائبه قدردانی می‌کنم: سروران ارجمند آقای ابراهیم رحمتی، سرکار خانم خیراندیش و سرکار خانم درویشی.

چکیده فارسی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: اندیشه سیاسی در اسلام
عنوان پایان‌نامه: حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)
نام و نام خانوادگی دانشجو: عبدالحسین ضمیری
استاد راهنما: دکتر نوراله قیصری
استادان مشاور: دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی – دکتر منصور انصاری
تاریخ شروع پایان‌نامه: ۸۷/۷/۱
تاریخ اتمام پایان‌نامه: ۸۷/۱/۳۱

امروزه حوزه سیاست و مسائل مربوط به آن پیوسته در حال تغییر و گسترش بوده و دامنه آن حتی به امور خصوصی زندگی افراد کشیده شده است از این رو چگونگی حکومت کردن (که جزء لاینفک سیاست است) مطابق ضوابط و معیارهای مطلوب که همان **حکمرانی مطلوب** است بیش از پیش گسترش یافته و در حوزه‌های مختلف علمی مورد توجه ویژه قرار گرفته است در این پژوهش هدف اصلی بررسی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) در مقوله «حکمرانی مطلوب» و مسائل مربوط به آن است.

در این نوشتار «**انتزاع و استخراج مفاهیم از متن و تحلیل آن بر اساس مدل**» به عنوان «روش تحقیق» به کار گرفته شده است.

بدون تردید در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی علاوه بر پرداختن به مسأله سیاست، ساختار نظام سیاسی و مسائل مربوط به آن، به سیاست عملی یا چگونگی حکومت کردن توجه ویژه شده است. ایشان به مقولات و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در عمل توجه دارند و مطابق با ضوابط و آموزه‌های اسلامی در امر حکومت الگوی حکمرانی مطلوب را ارائه می‌دهند و با نگرشی ژرف، تحقق کرامات انسانی را بر پایه تعالیم وحیانی در چارچوب اندیشه خویش مورد مذاقه قرار می‌دهند و با در نظر گرفتن یک الگوی سیاسی حکمرانی مطلوب به تعقیب برنامه‌های سیاسی – اقتصادی و اجتماعی دست می‌زنند. تکیه‌گاه اصلی حکمرانی در نظریه امام (ره) بر رابطه حکومت و مردم قرار دارد و این اصل در سیره امام (ره) کاملاً آشکار و روشن است.

چکیده عربی

مرکز دراسات الامام الخميني (ره) و الثورة الاسلاميه
المرحلة الدارسيه: ما جيستر
التخصص: الفكر السياسي في الاسلام
عنوان رساله التخرج: نوع الحكم المطلوب في فكر الامام الخميني (ره)
العلم الطالب: عبدالحسين ضميري
الاستاذ المشرف: دكتور نوراله قيصري
الاساتذه المشاورون: دكتور سيد علي رضا حسيني بهشتي و دكتور منصور الانصاري
تاريخ بدايه العمل في الرساله: ٨٧/٧/١
تاريخ نهايه العمل في الرساله: ٨٧/١/٣١

الخلاصه

ان مجال السياسيه و ما يرتبط بها في حال تغيير مستمر و قد توسع هذا المجال ايضا ليدخل في ميدان الحياه الشخصيه للأفراد في المجتمع و على هذا الاساس فان كيفيه الحكم هي امر لا ينفصل عن السياسيه و هو ذلك **النوع المطلوب من الحكم** و السلطه و بشكل مطابق للضوابط و المعايير... كما ان ابعاده اخذه بالتوسع شيئاً فشيئاً و بذلك اصبح محط اهتمام خاص في ميادين العلم المختلفه.

ان هدف هذا البحث هو دراسه الفكر السياسي للامام الخميني (ره) حول نوع الحكم المطلوب و المواضيع المرتبطه به و كانت الطريقه التي استخدمت في هذا البحث مبنية على استخراج المفاهيم السياسيه من خلال المخصوص الاصليه لكتابات الامام الخميني ره و كلماته و تحليلها. و بدون شك فان الامام الخميني (ره) و باعتباره مهندس و مؤسس الثورة و النظام الاسلامي قد تناول السياسيه و شكل النظام السياسي و القضايا المرتبطه بهما اضافة الى اهتمامه الخاص بالسياسيه العمليه او كيفيه الحكم واهتم بالمقولات و الاسس المرتبطه بخصوصيات نوعيه الحكم النموذجي المطلوب و من الناحيه العمليه و التي تتطابق مع الضوابط و التعليمات الاسلاميه و طرحها من خلال فكر عميق مبني على تحقق الكرامه الانسانيه و حكم الوحي القران و كان هذا الجانب يحتل مكانه مهمه من افكاره و سعي لتحقيقه من خلال تبين نموذج سياسي يرتبط بنوع الحكومه المطلوبه و من خلال برنامج سياسي اقتصادي شامل و ذلك لان الركن الاصيلي الذي بنى الامام عليه نظريته حول نوع الحكم كان يستند على الرابطة و العلاقه بين الحكومه و الشعب و كان هذا الركن واضحاً و جلياً في سيره الامام الخميني (ره).

Education: Master of Arts
Major: Political Thought in Islam
Title of the Thesis:
Student's Full Name:
Guide Professor:
Consulting Professors: Dr. Seyed AliReza Husseini Beheshti; Dr. Mansour Ansari

Abstract

Today, the field of policy and its related issues are changing and developing, and even individuals' private lives are affected by it. Therefore, the way of governing, which is the inseparable part of policy, is developed more than ever, according to the desirable standards or the same desirable governing, and it is considered specifically in different scientific fields. In this investigation, the main purpose is reviewing political thoughts of Imam Khumeini (peace be upon his soul) in the field of "desirable governing" and its related issues.

In this writing "abstraction and extraction of notions from the text, and analyzing it based on the model" is applied as the "research method".

There is no doubt that in political thoughts of Imam Khumeini (peace be upon his soul), as the founder of Islamic revolution and the Islamic Republic of Iran, the practical policy or the way of governing is given a special concern, as well as concerning with the issue of policy, the structure of political system and its related issues. He takes the issues and features of desirable governing in practice into consideration, and according to standards and Islamic education in the field of governing, he presents a desirable governing pattern, and with a deep insight, puts the accomplishment of human generosities in his frame of thoughts, based on trainings, and taking a political pattern of governing into attention, follows political, economical and social programs. In Imam's point of view, the main support of governing is based on the relation between the government and people, and this basis is clearly seen in Imam's approach of governing.

فهرست مطالب

مقدمه	۴
فصل اول: تاریخچه و مفاهیم (مفاهیم و مبانی حکمرانی مطلوب)	۹
۱-۱ تاریخچه حکمرانی مطلوب	۱۰
۱-۲ تاریخچه تکوین ایده حکمرانی مطلوب	۱۲
۱-۳ مفهوم حکمرانی مطلوب	۱۶
۱-۳-۱ تعریف حکمرانی مطلوب	۱۶
۱-۳-۲ بانک جهانی؛ راهبردهای توسعه و نقش دولت	۲۰
۱-۳-۳ بانک جهانی و راهبردهای توسعه در ارتباط با نقش دولت	۲۱
۱-۴ ابعاد حکمرانی خوب	۲۲
۱-۴-۱ پاسخگویی	۲۵
۱-۴-۲ شفافیت	۲۹
۱-۴-۲-۱ تعریف و مفهوم شفافیت	۲۹
۱-۴-۲-۲ شفافیت و فساد	۳۴
۱-۴-۲-۳ شفافیت و مردم‌سالاری	۳۷
۱-۵ حکمرانی خوب و توسعه پایدار	۴۱
۱-۶ حکمرانی خوب و حقوق بشر	۴۴
۱-۷ حکمرانی خوب و رویکرد وفاقی در اتخاذ تصمیمات و اجرای آن	۴۷
فصل دوم: مبانی نظری حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)	۵۱
۲-۱ سیاست و حکومت در اسلام	۵۲
۲-۲ نظام سیاسی - اداری در اسلام	۵۵
۲-۳ حکمرانی مطلوب در سیره امام علی (ع)	۵۹
۲-۴ فساد و حکمرانی از دیدگاه اسلام	۶۷
۲-۵ عدالت، دستگاه قضایی و حکمرانی	۶۸
۲-۶ مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)	۷۱
۲-۶-۱ شناخت‌شناسی امام خمینی (ره)	۷۱
۲-۶-۲ جهان‌بینی و هستی‌شناسی امام خمینی (ره)	۷۴
۲-۶-۳ انسان از دیدگاه امام	۷۵

- ۷۹-۲- ابعداد اندیشه امام خمینی (ره) و تأثیر آن بر سیاست..... ۷۹
- ۷۹-۲-۱- بُعد عرفانی..... ۷۹
- ۷۹-۲-۲- بُعد کلامی..... ۸۳
- ۷۹-۲-۳- بُعد فقهی اندیشه امام خمینی (ره) و تأثیر آن بر اندیشه سیاسی ایشان..... ۸۷
- ۷۹-۲-۱-۲- اعتقاد به حجیت علم احتمالی (ظن)..... ۹۲
- ۷۹-۲-۲-۲- صدور احکام بر مبنای عقل و عرف..... ۹۲
- ۷۹-۲-۳- اصول عملیه..... ۹۳
- ۷۹-۲-۸- حکمرانی بد از دیدگاه امام خمینی (ره)..... ۹۴
- ۷۹-۲-۸-۱- سیاست شیطانی..... ۹۵
- ۷۹-۲-۸-۲- سیاست تک بعدی..... ۹۶
- ۷۹-۲-۹- حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام(ره)..... ۹۷
- فصل سوم: امام خمینی (ره) و حکمرانی خوب در عمل..... ۱۱۰
- ۳-۱- مؤلفه‌های دموکراتیک اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به‌عنوان زمینه حکمرانی خوب ۱۱۱
- ۳-۱-۱- قانونمداری..... ۱۱۱
- ۳-۱-۲- مشارکت سیاسی مردم..... ۱۱۴
- ۳-۱-۳- آزادی‌های مدنی..... ۱۲۱
- ۳-۱-۳-۱- آزادی حدود و اعمال آن..... ۱۲۳
- ۳-۱-۳-۲- آزادی در محدوده قانون..... ۱۲۴
- ۳-۱-۳-۳- آزادی تا مرز توطئه..... ۱۲۴
- ۳-۱-۳-۴- فساد و حدود آزادی..... ۱۲۶
- ۳-۱-۴- مبارزه با فساد..... ۱۳۰
- ۳-۱-۵- شفافیت و نظارت..... ۱۴۰
- ۳-۱-۶- پاسخگویی..... ۱۴۵
- ۳-۱-۷- وفاق در تصمیم‌گیری‌ها..... ۱۴۹
- ۳-۱-۸- عدالت اجتماعی و فقرزدایی..... ۱۵۶
- ۳-۱-۹- مسئولیت‌پذیری و حقوق بشر..... ۱۶۰
- ۳-۲- مکانیسم‌های حکمرانی خوب..... ۱۶۳
- ۳-۲-۱- توسعه اقتصادی و نقش دولت..... ۱۶۳
- ۳-۲-۱-۱- استقلال قوا..... ۱۶۹

- ۱۷۲.....۳-۲-۱-۲- نقش دولت در فرایند توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)
- ۱۸۰.....۳-۳- نقش مجلس در حکمرانی خوب
- ۱۸۱.....۳-۳-۱- بعد نظارتی
- ۱۸۳.....۳-۳-۲- قانون‌گذاری
- ۱۸۶.....۳-۴- دستگاه قضایی و حکمرانی
- ۱۹۳.....نتیجه‌گیری
- ۱۹۵.....پیشنهاداتی در جهت تحقق حکمرانی خوب با توجه به دیدگاه امام
- ۱۹۶.....یک پیشنهاد برای مطالعات بعدی
- ۱۹۸.....فهرست منابع
- ۱۹۸.....کتاب‌های فارسی
- ۲۰۰.....کتاب‌های لاتین
- ۲۰۱.....مقالات
- ۲۰۱.....پایان‌نامه‌ها
- ۲۰۱.....سایت‌های اینترنتی

مقدمه

بحث «**حکمرانی مطلوب**» یکی از مباحث مطرح شده در اندیشه‌های سیاسی و همچنین سیاستگذاری امور مربوط به نظارت و اجراست. این ایده قدمت زیادی دارد. با بررسی نظریات سیاسی درمی‌یابیم که نهاد حکومت لازمه حتمی و تخلف ناپذیر هرگونه اجتماعی از انسان‌هاست که با هدف کسب آرامش، ارتقاء نیازها و... گرد هم جمع شده‌اند و در اینجاست که نیاز به حکومت، فرمانروایی و حکمرانی سیاسی احساس می‌شود.

یکی از مسائل مهم در فلسفه سیاسی تأسیس یک اجتماع، حکومت و «**حکمرانی مطلوب**» است. از آنجاکه حوزه سیاست و مسائل مرتبط با آن در حال تغییر و گسترش بوده و دامنه آن حتی به امور خصوصی زندگی افراد کشیده شده است؛ چگونگی حکومت کردن مطابق ضوابط و معیارهای حکومت مطلوب بیش از پیش گسترش یافته و در حوزه‌های مختلف علمی از جمله اندیشه‌های سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، علم سیاست و... مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

این ایده گرچه در اندیشه‌های سیاسی ایرانی و اسلامی از گذشته مطرح بوده است ولی در چند دهه کنونی و به خصوص پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، چگونگی حکومت کردن یا همان حکمرانی مطلوب همواره از نگرش‌های مختلف مورد بحث و اندیشه ورزی بوده است و در شرایط کنونی بیش از گذشته این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) به‌عنوان معمار و بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر پرداختن به مسئله سیاست، ساختار نظام سیاسی و مسائل مربوط به آن، به سیاست عملی

یا چگونگی حکومت کردن توجه ویژه شده است. حضرت امام به‌عنوان اندیشمندی فضیلت‌گرا که در پی پیاده کردن احکام اسلامی و مدل حکومت اسلامی بودند، حکمرانی به شیوه مطلوب آن را نیز مد نظر داشته‌اند. در این پژوهش هدف اصلی بررسی اندیشه‌های حضرت امام (ره) در مقوله «حکمرانی مطلوب» و مسائل مربوط به آن است.

با توجه به اینکه رسالت دین مبین اسلام هدایت و رهایی انسان در جامعه است و جمهوری اسلامی ایران مبنای سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های خود را بر آن استوار گردانیده، لزوم توجه به یک الگوی مطلوب حکومت ضرورت تام دارد. حکومتی که در آن پیشرفت جامعه همراه با شکوفایی انسان‌ها و حفظ کرامت انسانی مبتنی بر فضیلت‌های دینی مد نظر باشد.

با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به صراحت بر حفظ حقوق و شأن و کرامت انسانی تأکید کرده و نیز با توجه به اینکه مبنای اجرای احکام اسلامی مبتنی بر قوانین و ارزش‌های وحیانی (قرآن کریم)، سنت (گفتار، رفتار و روایات ائمه معصومین (ع))، عقل و اجماع نیز می‌باشد لزوم بحث در ارتباط با الگوهای حکمرانی مطلوب و استفاده از دستاوردهای دانش بشری در امر حکومتداری ضرورت دارد، چرا که مطالعه تجربیات کشورهای گوناگون و نقد و تحلیل‌های مکاتب گوناگون نتایج بسیاری در روشن ساختن ابعاد و نتایج حکومت، اهداف و معیارهای مطلوبیت یک نظام سیاسی دارد و دانش ما را نیز تکمیل می‌نماید.

تحقق اهداف و آرمان‌های متعالی اسلام به‌عنوان مکتبی که هدف‌های بنیادین آن اقامه قسط و عدل، مبارزه با استکبار و طاغوت، دعوت به حق، تشکیل امت واحد و امر به معروف و نهی از منکر است نیازمند ضمانت اجرا و به تبع آن کارآمدی که ضامن بقای آن و جلوگیری از یأس و سرخوردگی مردم است می‌باشد.

حکمرانی خوب با ویژگی‌های آن (حاکمیت قانون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، شفافیت تصمیم‌گیری و اجرا به صورت توافقی، پاسخگویی، تساوی و عمومیت داشتن، حمایت از حقوق انسان‌ها) می‌تواند به‌عنوان یک شکل و فرم مطلوب تلقی شود که جهت‌گیری‌های سیاست‌ها در

قالب این فرم براساس موازین اسلامی شکل می‌گیرد؛ یعنی اجرای این سیاست‌ها اسلامی باشد. از طرف دیگر رویکرد اجتماعی و لزوم استفاده از آراء و نظریات گوناگون و همچنین مشارکت اجتماعی از رویه‌های مشترک الگوی «حکمرانی خوب» و رویکرد دین مبین اسلام به جامعه است. به این موارد عقل را نیز می‌توان اضافه کرد که از منابع احکام اسلامی و الگوی سیاسی رایج است. امام خمینی (ره) و عملکرد ایشان در سیاست نشان می‌دهد در تحقق ویژگی‌های حکمرانی مطلوب نظر دارند و در صدد هستند یک الگوی مطلوب حکومت اسلامی ارائه دهند.

با توجه به اینکه ارائه یک الگوی مطلوب از حکومت براساس موازین اسلامی از آرمان‌های اصیل و از اهداف بنیانگذار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است؛ لزوم مطالعه تجربیات کشورهای گوناگون و همچنین توصیه‌ها و برنامه‌های نهادهای بین‌المللی که ایده حکمرانی مطلوب را در دستور کار قرار داده‌اند ضرورت و اهمیت بسزایی دارد. بنابراین پرداختن به اندیشه امام، معرفی ابعاد نظری و همچنین رویکرد عملی ایشان در امر حکومت علاوه بر پرتو انداختن بر وجوهی از اندیشه سیاسی ایشان به‌عنوان راهنما و ضابطه حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی؛ زمینه وفاق بیشتر را فراهم خواهد کرد و برای توسعه و پیشرفت کشور نیز مفید خواهد بود.

در پژوهش حاضر تلاش شده است مبانی نظری، ابعاد و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بازشناسی و حکمرانی مطلوب در ادبیات سیاسی رایج بررسی و ضمن تشریح مبانی نظری حکمرانی مطلوب در دیدگاه امام خمینی (ره) تفاوت این مفهوم در اندیشه سیاسی ایشان و ادبیات سیاسی رایج در چارچوبی روشن‌تر بررسی شود.

تحقیق حاضر با پیش‌فرض‌های دوگانه زیر جلو رفت:

الف) بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) نشان می‌دهد ایشان به مقولات و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در عمل توجه دارند و مطابق با ضوابط و آموزه‌های اسلامی در امر حکومت، الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی را ارائه می‌دهند.

ب) الگوی حکمرانی مطلوب حضرت امام خمینی (ره) علاوه بر ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در ادبیات سیاسی، ویژگی‌های دیگری نیز دارد و آن توجه به آموزه‌های اسلامی در امر حکمرانی است.

نگارنده پس از گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها به این نتیجه دست یافت که در اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) در مراحل اولیه، حکمرانی مطلوب دلالت بر مدیریت دقیق امور دولتی می‌کرد، اما به تدریج و با توسع مفهومی، با مجموعه‌ای از شاخص‌ها مرتبط شد، شاخص‌هایی چون:

- پاسخگویی: ارائه گزارش عملکرد توسط دولت و پاسخ به تقاضاهای عمومی؛
 - سیاست‌گذاری عقلانی (وضع قوانین متناسب با شرایط بومی - منطقه‌ای، تاریخی و اقلیمی)؛
 - دستگاه قضایی کارآمد (رسیدگی به پرونده‌های بیشتر - رضایت طرفین دعوا - گسترش شبکه قضایی)؛
 - شفافیت (اتخاذ تصمیمات مطابق با ضوابط و قوانین و آگاهی بخشی به مردم در امور و تصمیمات مربوط به آنها)؛
 - حق اظهار نظر و مشارکت (آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل دسترس بودن آن برای همه کسانی که با تصمیمات در ارتباطند)؛
 - فساد ناپذیری (امنیت سیستم و آلوده نشدن سیستم)؛
 - مسئولیت‌پذیری و
 - محرومیت‌زدایی و توجه به اقشار مستضعف و محروم.
- روش پژوهش در این تحقیق استخراج و انتزاع مفاهیم از متن و تحلیل آنها براساس مدل است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است.
- این پژوهش براساس موضوع مورد نظر سال‌های تکوین نهضت در سال ۱۳۴۲ تا رحلت امام خمینی (ره) را دربرمی‌گیرد. در ارتباط با پیشینه موضوع باید گفت:

نگارنده در جستجوهای خود نتوانست تحقیقی عیناً با عنوان و ابعاد مطرح شده در این تحقیق حاضر پیدا کند ولی در زمینه‌های مرتبط با این پژوهش‌ها برخی تحقیقات انجام شده است که می‌توان به چند مورد اشاره کرد.

در یک مورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳ تلاش کرده است مجموعه‌ای از مقالات خارجی ترجمه و تألیف نماید که تحت نام «**حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه**» منتشر کرده است. در این مجموعه با رویکردی اقتصادی حکمرانی خوب با توجه به شاخص‌های بانک جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی توضیح داده شده است. پژوهش دیگری نیز با رویکرد حقوقی تحت عنوان «**حکمرانی خوب و ارزیابی حاکمیت و حکومت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**» توسط آقای بهزاد قربانی انجام شده است. در کتاب دیگری تحت عنوان «**آیین حکمرانی**» نوشته «علی محمد ماوردی» مباحث عام فرمانروایی به ویژه اخلاقیات مورد بحث قرار گرفته است.

پژوهش حاضر برای نخستین بار حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) را در مقایسه با حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی رایج مورد بحث قرار می‌دهد. این پژوهش مشتمل بر سه فصل می‌باشد. در فصل اول ضمن بیان تاریخچه‌ای از «حکمرانی مطلوب»، مفاهیم و مبانی آن بررسی و شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن در ادبیات سیاسی استخراج و تبیین شده است.

فصل دوم تحقیق در واقع به بررسی مبانی نظری، شاخصه‌ها و تعریف ایده حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) پرداخته است.

در فصل سوم که تحت عنوان «امام خمینی (ره) و حکمرانی خوب در عمل» نام‌گذاری شده است یافته‌های تحقیق مطرح شده است.

در پایان پیشنهادات و راهبردهایی جهت تحقق حکمرانی مطلوب با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) برشمرده شده است.

فصل اول

تاریخچه و مفاهیم

(مفاهیم و مبانی حکمرانی مطلوب)

۱-۱ تاریخچه حکمرانی مطلوب

آنچه امروز حکمرانی مطلوب یا حکمرانی نسبتاً خوب^۱ نامیده می‌شود؛ در اندیشه بشر سابقه طولانی دارد و به صورت‌های گوناگون در اندیشه فیلسوفان و متألهان مطرح شده است؛ در اندیشه‌های سیاسی کلاسیک همواره نظم سیاسی مطلوب حول محور «حکمرانی خوب» یا چه کسی باید حکومت کند؟ تعریف می‌شد.

اما در سیاست جدید آنچه حائز اهمیت است ناظر بر چگونگی تنظیم امور سیاسی است، یا به بیان ساده‌تر، «**چگونگی حکمرانی**» است که اهمیت یافته است. «آبروجیو لورنزاتی» نقاش ایتالیایی قرن چهارم میلادی نقاشی معروف خود را که بیانگر حکمرانی خوب و حکمرانی بد است در شهر سانیا ایتالیا به تصویر کشید. این نگاره در قسمتی که بیانگر حکمرانی خوب است، عدالت و انصاف را بر سریر قدرت نشان می‌دهد و نمایانگر و نماد بخشندگی، اعتدال، خرد، ایمان، امید، احسان، قدرت و صلح است نتیجه این حکمرانی شهری زیبا با میداين و خیابان‌ها و قصرهایی است که در آن زنان جوان در حال رقص، کودکان در حال بازی و مردان در حال کار هستند. شهر آکنده از فعالیت است و کالاهای بازارهای آن فراوان است و علاوه بر این مدارس نیز به تصویر کشیده شده‌اند. شهروندان این شهر آشکارا بهره‌مند از شرایط متوسط اقتصادی اجتماعی هستند. می‌توان گفت شهروندان وضعیتی متعادل یا متوسط‌الحال در بخش دیگر که نشان دهنده حکمرانی بد است یک هیبت شیطانی بر سریر قدرت تکیه زده است که نمایانگر بی‌رحمی، خیانت، حيله، خشم، منازعه و عدم اعتماد است. نتیجه این حکمرانی، زمین‌های بایر، نآباد و خراب است که در آن کسی به کار مشغول نیست و تنها فعالیت موجود کشتار، غارت و قتل مردان و تجاوز به زنان است. (هرمز یزدانی زنوز؛ ۱۳۸۴: ۱۴۳).

در روزگار جدیدتر از عصر رنسانس ایتالیایی و ایده‌های آن که بگذریم، تاریخچه شکل‌گیری مفهوم حکمرانی خوب به دهه‌های اخیر و به ماجرای موسوم به اجماع واشنگتنی به سال ۱۹۸۹

باز می‌گردد براساس اجماع واشنگتنی فرض مسلم این بود که دولت‌ها بدتر از بازارها عمل می‌کنند؛ به عبارت دیگر دولت به عامل و ابزاری بدل می‌شود که سرعت توسعه را کند می‌کند. پس دولت هرچه کوچک‌تر باشد بهتر است. در واقع پرسش اساسی اجماع واشنگتنی این بود که اساساً دولت باید در امور و به ویژه امور اقتصادی دخالت کند یا خیر؟ نه اینکه «چگونه دخالت کند»، شکل‌گیری مفهوم و ایده حکمرانی را می‌توان تلاشی نظری برای پاسخ به سؤال اخیر دانست. یعنی حدود روش‌ها و فعالیت‌های مؤثر دولت تا کجا است و چه می‌تواند باشد. آنچه مسلم است این است که بازارها همیشه نتایج دلخواه را به بار نمی‌آورند و نواقص فراوانی دارند به نحوی که ممکن است متأثر از آن بازار نتواند کارکرد خود را به خوبی انجام دهد یا اینکه نتایج ناشی از کارکرد طبیعی بازار به خودی خود نامطلوب باشد. (میدری، خیرخواهان؛ ۱۳۸۳: ص ۱۰۱)

به این ترتیب از تجربیات به دست آمده و نقد برنامه‌های اجماع واشنگتنی بخشی از راهبرد حرکت به سوی اقتصاد مولدتر تعریف و تحقق صحیح دولت بیان شد؛ یعنی اتخاذ روش‌هایی که دولت بتواند به‌عنوان «مکمل» نقش کارآمدتری برای بازار ایفا کند. این ایده در قالب ده سیاست (انضباط بودجه‌ای، تجدید نظر در اولویت مخارج عمومی، اصلاح نظام مالیاتی، آزادسازی نرخ بهره، نرخ ارز رقابتی، آزادسازی تجاری، آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور، خصوصی سازی، مقررات زدایی و حقوق مالکیت) در دستور کار بانک جهانی قرار گرفت. در حقیقت نقد این سیاست (اجماع واشنگتنی) منجر به ظهور ایده حکمرانی مطلوب شد. در ابتدا توافق بر اصل کاهش نقش دولت در اقتصاد مطرح بود. (میدری، خیرخواهان؛ ۱۳۸۳، ص ۷۴) که منجر به ظهور نظریه حکمرانی مطلوب شد. اما گزارش بانک جهانی به سال ۱۹۸۹ در ارتباط با بحران اقتصادی در آفریقا برای نخستین بار مفهوم حکمرانی خوب را مطرح کرد. «بحران اقتصادی در واقع ناشی از بحران حکمرانی است»

در گزارش‌های بانک جهانی در سال‌های «۱۹۹۳-۱۹۹۲» و همچنین در گزارش «۱۹۹۷» برای رسیدن به توسعه پایدار وجود دولت کارآمد ضرورت یافت. (worldbang, 2007, 23)

۲-۱ تاریخچه تکوین ایده حکمرانی مطلوب

ایده حکمرانی خوب ناظر بر چگونگی رابطه جامعه و دولت (یا دولت - شهروندان) است. مؤلفه‌های اصلی سازنده این ایده را دموکراسی، حاکمیت قانون؛ دستگاه قضایی مؤثر و مستقل، شفافیت و مبارزه با فساد شکل می‌دهد. بنابراین آنچه در یک بررسی کلی از حکمرانی خوب خودنمایی می‌کند حدود، توانایی‌ها و قابلیت‌های دولت و میزان دخالت دولت در امور عمومی و حوزه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهروندان است.

این پرسش یعنی تعیین حدود مداخله دولت به خصوص در حوزه فعالیت‌های اقتصادی همواره پیش‌روی پژوهشگران و نظریه پردازان مختلف بوده و هست. در این خصوص می‌توان سه دوره را از هم تمییز داد:

الف- دوره اول از قرن هجدهم با تحولات صنعتی در انگلستان آغاز شد. این ایده در خلال اندیشه متفکران اقتصاددان کلاسیک مطرح شد. متأثر از نگرش این گروه از اندیشمندان، اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت و ریکاردو به ارائه نظریات در باب رابطه دولت و اقتصاد و حدود آن پرداختند. ویژگی اصلی نظام اقتصادی این دوره دخالت محدود دولت در امور اقتصادی و لزوم تأمین منافع همگان از طریق خود تنظیمی بازار (دست نامرئی) تصور می‌شد. آدام اسمیت وظیفه دولت را تأمین امنیت عمومی، دفاع از تمامیت ارضی کشور و سرمایه‌گذاری در بخش تولید کالاهای عمومی برمی‌شمرد.

این دوره به رغم انتقادات رادیکال کارل مارکس تا قرن بیستم ادامه یافت.

ب- در ابتدای قرن بیستم دو واقعه بزرگ رخ داد: انقلاب اکتبر روسیه در ۱۹۱۷ و بحران بزرگ اقتصادی (۱۹۳۴-۱۹۲۹) در کشورهای سرمایه‌داری (اروپا و آمریکا). این تحولات باعث شد تا در نقش و میزان دخالت دولت در اقتصاد تجدید نظر شود و برای دولت نقش

مداخله جویانه تری بیابد. به دنبال این تحولات نظریات «جان مینارد کینز» مورد توجه قرار گرفت و سرانجام آنچه به «**دولت رفاه**» مشهور شد نتیجه همین تحولات بود.

ج- دوره سوم با بحران ناشی از عملکرد دولت رفاه در ربع آخر قرن بیستم بازگشتی دوباره به دوره اول به وجود آمد. فلسفه بازار آزاد با ظهور «تاجریسیم و ریگانیسم» (گیدنز؛ ۱۳۷۸: ص ۹)، به طور کلی آنچه نئولیبرالیسم نامیده شد قوت گرفت و اندیشه‌های فردریش فون هایک طرفدار برجسته بازار آزاد محور سیاستگذاری قرار گرفت. آنچه به نئولیبرالیسم مشهور است و اکنون در بخش اعظم جهان سرمایه‌داری حاکمیت دارد زمانی ظهور یافت که بحران و رکود تورمی در جهان شروع شد، درآمدهای مالی کاهش یافت و افزایش هزینه‌های عمومی به بحران مالی دولت‌های مختلف انجامید. (به عنوان مثال صندوق بین‌المللی پول مجبور شد در ۱۹۷۶- ۱۹۷۵ به کمک بریتانیا بشتابد). (هاروی، ۱۳۸۶: ۲۲). اما پیدایش نظریه نئولیبرالی به ۱۹۴۷ باز می‌گردد زمانی که گروهی از اقتصاددانان، فیلسوفان و مورخان پیرامون فردریش فون هایک فیلسوف سیاسی اتریشی گرد آمدند تا انجمنی به نام «**انجمن مونت پلرین**»^۱ را پایه‌گذار شوند. چهره‌های سرشناس این حلقه عبارت بودند از: لودویک فرن میزس، میلتون فریدمن و کارل پوپر. در بیانیه تأسیس این گروه آمده بود:

«ارزش‌های محوری تمدن در خطرند. در بخش بزرگی از کره زمین شرایط حیاتی حرمت و آزادی انسانی از میان رفته‌اند در جاهای دیگر، توسعه گرایش‌های کنونی در سیاستگذاری این شرایط را در معرض تهدید دائمی قرار داده است. قدرت استبدادی؛ موقعیت فرد و گروه داوطلب را به تدریج متزلزل ساخته است». این گروه باور دارد کاهش اعتقاد به مالکیت خصوصی و بازار رقابتی موجب این تحولات شده است؛ زیرا بدون قدرت و ابتکار عمل پراکنده که به این نهادها مرتبط باشد تصور جامعه‌ای که بتوان آزادی را در آن حفظ کرد دشوار است». (همان؛ ۳۲)

این گروه خود را لیبرال می‌نامیدند اما برچسب نئولیبرال نشان دهنده پیروی آنها از اقتصاددانان نئوکلاسیک مثل «آلفرد مارشال»، «استنلی جونز» و «لئون والراس» بود که در نیمه دوم

1. mont pelerian

قرن ۱۹ پدیدآورنده آثاری بودند. اندیشه نئولیبرالی تا سال‌های دهه ۷۰ در حاشیه محافل آکادمیک باقی ماند تا اینکه گروهی از اقتصاددانان معروف به «بچه‌های شیکاگو» به علت تمایلشان به الگوهای نئولیبرالی «میلتون فریدمن» برای بازسازی اقتصاد شیلی مأمور شدند. در ۱۹۷۵ «پینو شه» این اقتصاددانان را وارد دولت کرد و با کمک اعتبارات صندوق بین‌المللی پول^۱ اقتصاد شیلی را از نو سازماندهی کردند. سیاست‌ها و ضعف‌های نظام نئولیبرالی به‌عنوان خاستگاه جریان‌ات بعدی به تجویز الگوی حکمرانی خوب منجر شد. سیاست‌های تعدیل ساختاری در دهه ۸۰ میلادی که در دستور کار بانک جهانی قرار گرفت نتایج رضایت‌بخشی به دنبال نداشت. به‌طوری‌که از «اواسط تا اواخر دهه ۱۹۸۰ انتقاد از سیاست‌های بانک جهانی از اثرات منفی به حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخی تغییرات در سیاست‌های این بانک منجر شد».

(توماس، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

طی دهه ۱۹۷۰-۱۹۴۰ رهیافت کینزی بر توسعه سایه افکنده بود. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون الگوی توسعه مبتنی بر تئوری اقتصادی نئوکلاسیک و در کل ایدئولوژی نئولیبرالیسم حاکم است. همان‌طور که گفته شد از درون دیدگاه نئولیبرالیسم در برابر چالش‌های مسیر توسعه، نارسایی‌هایی که بروز کرد لزوم اصلاحاتی در رابطه با محور اصلی سیاست‌گذاری‌ها یعنی «دولت کوچک» و نقش دولت را رقم زد. درست در همان زمان الگوی اقتصادی نئوکلاسیک‌ها در دستور کار قرار گرفت و در انتقاد از سیاست‌های دولت رفاه رهیافت جایگزین تأکید بر تناسب میان فرایند توسعه و توزیع منافع آن را خواستار شد. بنیاد داگ‌ها مرشولد در سال ۱۹۷۵ با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «اکنون چه باید کرد؟» بعدها خلاصه و رهیافت جدیدی را در توسعه مطرح ساخت. این رهیافت معتقد است توسعه باید:

۱. نیازمحور باشد (نیاز مادی و غیر مادی)؛

۲. درون‌زا باشد (از متن جامعه باشد)؛